

گاره جنگ رستم و ارژنگ دیو، تبریز،
مأخذ: شاهنامه شاه طهماسبی، ۱۵۲
۱۳۹۳:

بررسی تطبیقی پوشاک رزم بر اساس مطالعه نگاره‌های نسخ خطی در مکاتب هرات و تبریز

محمد ابراهیم زارعی* مریم دولتی**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۹/۳

چکیده

یکی از موضوعات قابل بررسی در مطالعه نگاره‌ها مطالعه نوع پوشاک افراد است که در هر عصر با توجه به موضوع نگاره و مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی متفاوت خواهد بود. هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی تطبیقی پوشاک رزم بر اساس نگاره‌های نسخ خطی در مکاتب هرات و تبریز و سیر تحول پوشاک رزم در این مکاتب از طریق معرفی پوشاک‌هایی است که در نگاره‌های رزم کاربرد داشته است. بر مبنای هدف یاد شده، مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از: ۱. پوشاک رزم در مکتب هرات و تبریز در نسخ خطی به چه نحوی نمایش داده شده و آیا بازسازی این نوع پوشاک ممکن است؟ ۲. چه تغییراتی در پوشاک رزم مکاتب فوق بر اساس مطالعه نگاره‌ها حاصل شده است؟ پژوهش حاضر از نوع تاریخی و با رویکرد تحلیلی - تطبیقی انجام شده است و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و استفاده از منابع نوشتاری و مکتوب است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که هنرمندان در خلق نگاره‌ها بازتابی از واقعیت جامعه را نمایش داده‌اند؛ به عبارتی انواع پوشاک رزم در نگاره‌های مکاتب هرات و تبریز در کنار مراجعه به متون قابل بازسازی است. مطالعه نگاره‌های مزبور امکان تغییر و تحولات ایجاد شده در پوشاک رزم در هر دوره را مشخص و نیز امکان مطالعه سلسله‌مراتبی آنها را فراهم آورد.

واژگان کلیدی

نگارگری، پوشاک رزم، مکتب هرات، مکتب تبریز، بررسی تطبیقی.

* دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان، شهر همدان، استان همدان

Email: Mohamadezareei@yahoo.com

** دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، شهر همدان، استان همدان (نویسنده مسئول).

Email: Maryam.dolati@alumni.ut.ac.ir

www.SID.ir

مقدمه

هرات و تبریز صورت گرفته است؛ از جمله می‌توان به پژوهش‌های نارملا لطیفیان در مقاله «بررسی ویژگی‌ها و مطالعه تطبیقی نگاره‌های ایرانی در دوران تیموری و صفوی» (۱۳۸۱)، برخی از نگاره‌های مکتب هرات را بررسی کرده است. نرگس بیک‌مرادی نیز در مقاله خود با عنوان «بررسی تطبیقی فرم و رنگ شاهنامه بایسنقری و طهماسبی» (۱۳۸۷)، به عناصر هنری در مکتب هرات اشاره نموده است. همچنین حسین ناغانی ابراهیمی در پژوهش خود «مطالعه تطبیقی شکل انسان در نگارگری مکتب هرات و نقاشی قاجار» (۱۳۸۸)، به نحوه اجرای نقش انسانی در مکتب هرات پرداخته است. از جمله پژوهش‌هایی که در زمینه مکتب تبریز صورت گرفته، می‌توان به مقاله مریم یزدان‌پناه با عنوان «بررسی مکتب نگارگری تبریز دوره صفوی با استفاده از نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسب» (۱۳۸۹)، اشاره نمود. از آنجایی که تاکنون در پژوهشی مستقل به بررسی و مطالعه پوشاک رزم در نگاره‌های مکتب هرات و تبریز از طریق مقایسه تطبیقی آنها صورت نگرفته است، ضرورت انجام پژوهش حاضر تبیین می‌گردد.

نگاهی مختصر به پوشاک در دوران تیموری و صفوی

منابع نگارگری در دوره‌های تیموری و صفوی به شرح گسترده‌ای از انواع پوشاک می‌پردازد و همواره ابزار دقیق و مناسبی برای محققان بوده است. نگاره‌ها علاوه بر آن‌که جهت مستندسازی پوشاک در دوره‌های اسلامی که نمونه‌های کمی از آن‌ها بر جای مانده اهمیت ویژه‌ای دارند، در نشان دادن چگونگی پوشیدن قسمت‌های گوناگون لباس نیز مفیدند. به این دلیل که لباس‌های ایرانی‌ها متشکل از لایه‌های مفصل و اجزای گوناگون بوده است (یارشاطر، ۱۳۸۲: ۹۶). برای تشخیص انواع لباس و پوشاک در دوره تیموری و صفوی می‌توان از آثار نگارگری بهره گرفت، چنانکه با استناد به نقوش این نگاره‌ها می‌توان به وجود ۷ قطعه پوشاک در دوره تیموری از قبیل پیراهن زیر، قبای زیر، قبای رو، بالاپوش یا جبه، پای‌افزار از نوع ساق بلند، نیمه ساق بلند و بدون ساق، انواع عمامه پیچیده به کلاه و شلوار و ۹ قطعه لباس در دوره صفوی شامل: عمامه، پیراهن زیر، پیراهن رو، قبا، شال کمر، بالاپوش، شلوار بدون جوراب، جوراب و پای افزار اشاره کرد (ضیاءپور، ۱۳۴۹: ۱۷۷). در نگاره‌هایی که تحت عنوان نگاره‌های رزم انتخاب شده‌اند، دو نوع پوشاک قابل مشاهده است، یکی پوشاکی که مستقیماً در ارتباط با رزم قرار می‌گیرد، و دیگری پوشاکی که با رزم ارتباطی ندارد ولی در صحنه‌های رزم در کنار پوشاک مربوط به رزم بر تن افراد دیده می‌شود. هم‌اینک به بررسی این دو نوع از پوشاک می‌پردازیم.

نگارگری ایران همواره مورد توجه محققان عرصه هنر بوده است؛ اما به نگاره‌ها عموماً به صورت تک‌نگاره و از منظر نقاشی توجه شده و پیوستگی آنها در متن کمتر لحاظ شده است. از این رو اگر به پوشاک به عنوان عنصر مهمی که همواره در طول تاریخ توانسته نقش مهمی را در ارتباط میان فرهنگ و هنر مردم ایفا کند بنگریم، شاید بتوان به اهمیت آن در راستای پی بردن به سبک و هنر مرسوم در دوران مختلف زندگی بشر پی برد. برای دستیابی به این مهم، مراجعه به نسخ خطی، اوراق تاریخی و سفرنامه‌های سیاحان داخلی و خارجی ضروری است که بیشترین حجم اطلاعات در ارتباط هنر و فرهنگ هر جامعه را منعکس می‌کنند. این مقاله در پی آن است تعدادی از نگاره‌های نسخ خطی مکاتب هرات و تبریز که در ارتباط با صحنه‌های رزم‌اند، بررسی کند تا از این طریق با مقایسه نوع، طرح، نقش و رنگ پوشاک در این نگاره‌ها به درک جامعی از هویت پوشاک رزم و سیر تحول آن از دوره تیموری تا صفوی دست یابد.

نگاهی مختصر به پوشاک دوره‌های تیموری و صفوی و بررسی انواع پوشاک رزم و غیر رزم بر اساس متون و سفرنامه‌ها که هر دو نوع آن در کنار هم در نگاره‌های رزم قابل مشاهده هستند، موضوعی است که در بخش اول این نوشتار بررسی شده است. در بخش بعدی ۱۵ نگاره از مکاتب هرات و تبریز معرفی و مطالعه شده است تا از این طریق با ذهنیتی آگاهانه بتوان عناصر غالب پوشاک رزم در هر دوره را شناسایی کرد. سپس روند تغییرات ایجاد شده در سراسر هر دوره و فراتر از آن از مکتب هرات تا تبریز تجزیه و تحلیل شده است. نگاره‌های مربوط به نسخ خطی این پژوهش مربوط به مکتب هرات در دوره تیموری و مکتب تبریز در دوره صفوی است. سوالات مطرح شده بر مبنای ضرورت موضوع پژوهش عبارتند از: ۱. پوشاک رزم در مکتب هرات و تبریز در نسخ خطی به چه نحوی نمایش داده شده و آیا بازسازی این نوع پوشاک ممکن است؟ ۲. چه تغییراتی در پوشاک رزم مکاتب فوق بر اساس مطالعه نگاره‌ها حاصل شده است؟

روش تحقیق

اطلاعات این مقاله به روش تاریخی و رویکرد آن تحلیلی - تطبیقی است. روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و بر مبنای نسخ خطی مکاتب هنری هرات و تبریز است. بر این اساس جامعه آماری انتخاب شده شامل پانزده نگاره با موضوع پوشاک رزم است که هشت نگاره متعلق به مکتب هرات و هفت نگاره متعلق به مکتب تبریز است.

پیشینه پژوهش

تاکنون مطالعات زیادی در ارتباط با نگارگری در مکاتب

انواع پوشاک رزم در دوره‌های تیموری و صفوی بر اساس متون

۱. خفتان

این لباس بسیار سبک و راحت است و برای کاستن از زبری و خشنی زره، زیر زره و حفظ تن پوشیده می‌شده است (غیبی، ۱۳۸۴: ۴۵۱). درون این لباس را با ابریشم پر می‌کردند و بخیه زیادی می‌زدند و آن را در روزهای جنگ می‌پوشیدند (شریعت پناهی، ۱۳۷۲: ۳۳۴).

۲. زره

تن‌پوش اصلی سپاهیان به هنگام نبرد زره‌های فولادین و آهنین بود که از انواع حلقه‌های ریز بافته می‌شد و بلندی آن تا زانو می‌رسید. یک نوع آن جلو بسته با تکه‌های مستطیل شکل طراحی شده است که این تکه‌های مستطیل شکل جلو سینه و پشت را می‌پوشاند، نوع دیگر نیم تنه‌ای بود که با بست‌های فلزی در جلو سینه بسته می‌شد و آستینی کوتاه داشت (غیبی، ۱۳۸۴: ۴۵۱).

۳. چهار آیینه

از عناصر اصلی پوشش به هنگام نبرد چهار آیینه است که برای نگهداری سینه و پهلو و پشت از آسیب نیزه دشمن پوشیده می‌شد (ذکاء، ۱۳۵۰: ۱۹۳). این پوشش از چهار یا پنج تکه ورق‌های کلفت و ستبر فولادی تشکیل شده که هر تکه به شکل مستطیل در جلو و پشت پهلوها قرار می‌گرفته و توسط بندهای چرمین و سگک به یکدیگر بسته می‌شده است و معمولاً آن را بر روی زره می‌پوشیدند (غیبی، ۱۳۸۴: ۴۵۱-۴۵۲).

۴. کلاهخود

کلاه آهنین و فولادینی است که برای حفظ سرو صورت از گزند ادوات جنگی روی سر قرار می‌گرفت. کلاهخودها شامل دو نوع اساسی هستند: یک نوع آن کلاهخود فولادی و آهنین گردی بود که به اندازه کاسه سر ساخته می‌شد و آن را طاس می‌نامیدند، زایده‌ای نوکتیز در بالای آن تعبیه می‌شد و پرچی کوچک برای تشخیص سپاهیان خودی روی آن قرار می‌گرفت (ذکاء، ۱۳۵۰: ۱۹۰). نوع دیگر کلاهخود، مانند زره از حلقه‌های ریز فولادی ساخته شده است که سراسر گوش‌ها و پشت گردن در ناحیه کلاهخود را پوشش می‌داده است (غیبی، ۱۳۸۴: ۴۵۳).

۵. بازوبند، ساق‌بند و زانوبند

این پوشش‌های فولادین در هنگام نبرد پوشیده شده و برای محافظت از بازو، ساق دست، ساق پا و زانو به کار می‌رفته است. بازو بند از مچ دست تا آرنج یا روی شانه را محافظت می‌کرد و زانو بند روی زانو‌ها به وسیله بندهای چرمی بسته می‌شده است (ذکاء، ۱۳۵۰: ۱۹۱).

۶. کمر بند

سپاهیان روی زره کمر بندهای چرمی و گاهی یراق می‌بستند که دارای قلاب‌های فولادی و زرکوب بود، این قلاب‌ها را مانند قوطی‌های کوچک می‌ساخته که در درون آن می‌توانستند قرآن کوچکی به خط غبار جای دهند، کارد و ابزارهای ویژه جنگ و افزارهای گرم از کمر بند آویخته می‌شد و شال کمر را روی کمر بند بسته و خنجرهای خود را روی آن می‌گذاشتند (ذکاء، ۱۳۵۰: ۱۹۲).

۷. زه‌گیر

زه‌گیر، حلقه یا انگشترهایی از عقیق، یشم، مرمر و شاخ بود که در انگشت شست سپاهیان قرار می‌گرفت تا از طریق آن بتوانند زه کمان را با نیرویی هر چه بیشتر بکشند تا آسیبی به انگشت آنان نرسد. رشته زه بر روی این زه‌گیرها می‌افتاد و انگشت آنان آسیبی نمی‌دید (غیبی، ۱۳۸۴: ۴۵۵).

انواع پوشاک غیر رزم در دوره‌های تیموری و صفوی

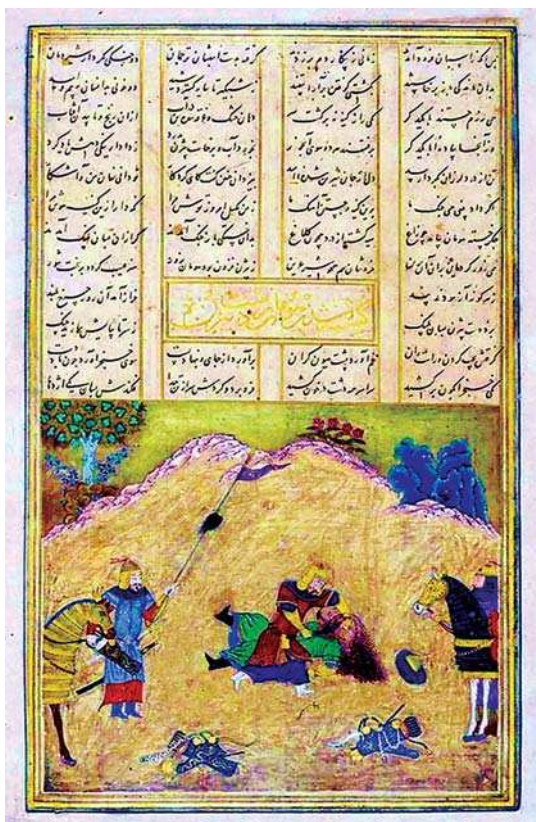
بر اساس متون و سفرنامه‌ها

از جمله مهم‌ترین منابع در مورد پوشاک دوره تیموری اطلاعاتی است که در متون و سفرنامه‌ها گردآوری شده است. متون عربی و فارسی معاصر اطلاعات محدودی به دست می‌دهند و معمولاً از منسوجات و پارچه‌ها بدون توصیف پوشاکی که از آن‌ها تهیه می‌شده، نام برده‌اند. در بیشتر این منابع به رداها و کمر بندهایی اشاره شده است که در مناسبت‌های گوناگون به عنوان تشریف و گرمی‌داشت، اهدا می‌شدند؛ اما منابع اروپایی تا حدی ذهنیت ما را روشن‌تر می‌سازد. کلاویخو در سفرنامه‌اش اشاره می‌کند که تیمور، سفیران را با اهدای رداها، پیراهن‌های هم‌سان و کلاه‌های درباری گرمی داشته است. او همچنین در این دوره به لباس‌های بلند مردانی اشاره می‌کند که در قسمت سینه باز بوده‌اند (یارشاطر، ۱۳۸۲: ۱۷۷-۱۸۰).

در آغاز عصر صفوی خصیصه‌های هنری عهد تیموری در پوشاک همچنان متداول است، به گونه‌ای که در پوشش‌های این دوره، ویژگی‌های مکتب هنری تیموری به همراه ذوق و نبوغ هنر ایرانی قابل مشاهده است. در متون و سفرنامه‌های سیاحان اروپایی اشارات متعددی به انواع قطعات پوشاک در دوره صفوی شده است. در ادامه به نمونه‌هایی که هم در متون به آن‌ها اشاره شده و هم در نگاره‌ها ترسیم شده‌اند، اشاره می‌شود. این موضوع حاکی از آنست که هنرمند عصر صفوی در ترسیم نگاره‌ها بازتابی از واقعیات جامعه را منعکس می‌کند. این نمونه‌ها عبارت‌اند از:

۱. پیراهن

در دوره صفوی دو پیراهن رایج بوده است؛ یکی پیراهن زیر و دیگری پیراهنی که از رو پوشیده می‌شد (غیبی، ۱۳۸۴: ۴۱۹).



تصویر ۲. کشته شدن هومان به دست بیژن، شاهنامه جوکی، مکتب هرات، مأخذ: همان.



تصویر ۱. جنگ رستم و اسفندیار، شاهنامه جوکی، مکتب هرات، مأخذ: <http://nashibofaraz.blogspot.com/1391/07/16/post-208>

معمولاً تا قوزک پا می‌رسیده است (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۶۲۳).

۵. انواع پوشش سر

رایج‌ترین پوشش سر در این دوره به صورت کلاهی نم‌دین است که در آن نواری به صورت دستار، چندین بار دور آن پیچیده شده و برای زینت پری جلوی آن قرار می‌گرفته است. عمامه یا دستار در اوایل دوره صفوی یک کلاه زربافت یا نم‌دی دوازده ترک بود که زیر آن عرقچین صافی قرار می‌گرفته است (یارشاطر، ۱۳۸۲: ۲۰۰). از دیگر انواع پوشش سر در این دوره می‌توان به کلاه‌های مخروطی اشاره کرد که در آن خطوطی از پیرامون به مرکز کلاه کشیده شده و شکل خاصی به آن می‌داده است (شهنشاهی، ۱۳۷۴: ۱۲۰-۱۲۶). در این دوره هم‌چنین گاهی از کلاه پوستی استفاده می‌شده است، این پوست‌ها مانند ابریشم نرم و ظریف و در عین حال گرانبها بوده است (اولئاریوس، ۱۳۷۹: ۶۴۰).

بررسی نگاره‌های رزم در مکتب هرات

هنر نگارگری در این دوره منحصر به تصویرهایی بود که

پیراهن‌های این عصر تا روی زانو می‌رسیده و یقه پیراهن‌ها برگردان نداشته و ساده بوده است (شاردن، ۱۳۷۴: ۷۹۹). علاوه بر آن، مردم در این دوره معمولاً پیراهنی از پارچه گل‌دار زیر قبا به تن می‌کردند (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۲۹۱).

۲. قبا

با توجه به نگاره‌های باقی‌مانده از دوره صفوی دو نوع قبا معمول بوده است؛ یکی قبای جلو باز با آستین‌های بلند که از طریق شال بسته می‌شد و یقه آن در جلو سینه برگردان و مورب است. نوع دیگر قبایی جلو باز با آستین کوتاه است که به واسطه دکمه‌هایی از زیر گلو و جلو سینه بسته می‌شود (غیبی، ۱۳۸۴: ۴۲۳). مردها در این دوره قبای بلندی می‌پوشند که تا ساق پای آن‌ها می‌رسد (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۱).

۳. عبا

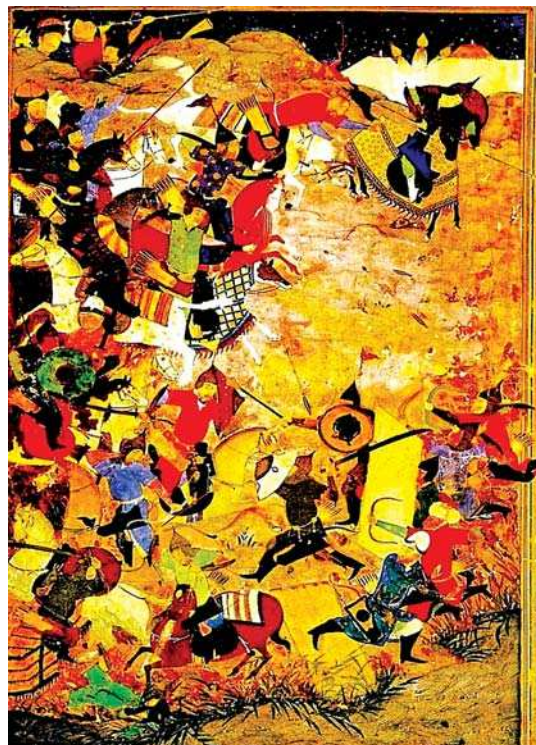
در دوره صفوی به صورت شنل آستین‌دار کوتاه یا بلند رواج می‌یابد (غیبی، ۱۳۸۴: ۴۲۹).

۴. شلوار

پوشش شلوار در میانه عصر صفوی رایج می‌شود و



تصویر ۴. جنگ سپاهیان کیخسرو و افراسیاب، هرات، مأخذ: شاهنامه بایسنقری، کتابخانه گلستان: ۲۳۵



تصویر ۲. نبرد جیحون، ظفرنامه علی یزدی، منسوب به بهزاد، هرات، مجموعه گارت، بالتیمور، مأخذ: آژند، ۱۳۸۹: ۲۹۳

سر است.

(تصویر ۲) در این نگاره افراد زره بر تن نداشته، بجای آن پیراهن‌هایی بلند و آستین‌دار پوشیده و از روی آن‌ها جامه‌هایی کوتاه‌تر با آستین کوتاه به رنگ‌های آبی و عنابی پوشیده‌اند. بلندی این پیراهن‌ها، تا روی زانو است. روی پیراهن‌های افراد کمربندهایی نازک به رنگ‌های مشکی و قهوه‌ای تعبیه شده که توسط سگک‌هایی به هم قفل شده‌اند. پوشش سر افراد در این نگاره از دو نوع گرد کاسه‌ای با پوشش مقنعه‌ای و پوشش روگوشی متشکل از حلقه‌های ریز فولادی است. همچنین در این نگاره افراد مجهز به ساق دست‌هایی هستند که از مچ تا آرنج آن‌ها را می‌پوشانند.

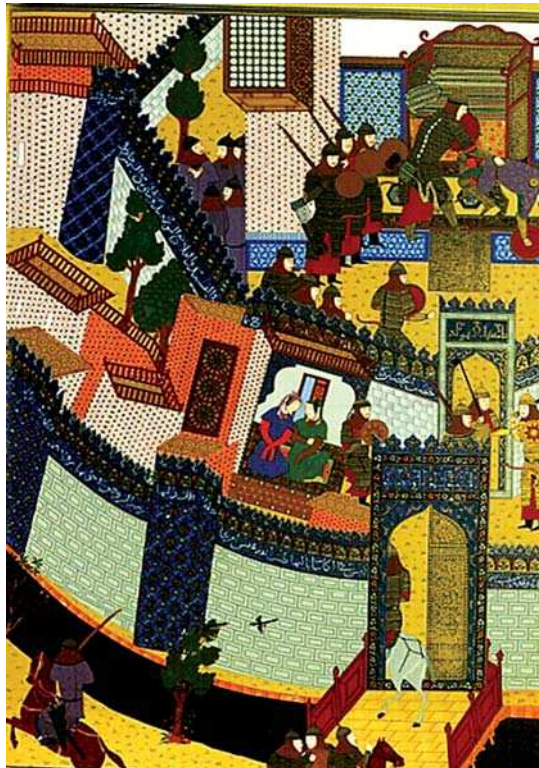
(تصویر ۳) در این نگاره افراد زره بر تن ندارند. سپاهیان جامه‌هایی ساده یا طرح‌دار با آستین کوتاه به رنگ‌های قرمز، آبی، مشکی و سبز را بر روی پیراهن‌های آستین بلند پوشیده‌اند. پوشش پا اغلب به صورت چکمه‌های مشکی رنگ ساق بلندی است که تا زیر زانو می‌رسیده است. در این نگاره همچنین انواع مختلفی از پوشش سر مشاهده شده است: یکی از نوع کلاه‌خودهای گرد فولادی و آهنین که به اندازه کاسه سر است، و دیگری کلاه‌خودهایی که از حلقه‌های ریز فولادی ساخته شده و سراسر گوش‌ها و ناحیه پشت گردن را پوشش می‌داده

برای نسخه‌های خطی کشیده می‌شد. با استقرار بایسنقر در پایتخت، هرات مرکز اصلی نگارگری و خلق نسخه‌های نفیس مصور گشت (امیرخانی، ۱۳۸۳: ۷۰ و ۷۱). در حقیقت در مکتب هرات نقاشی به موازات ادبیات پیشرفت و می‌توان با مطالعه نگارگری به بررسی پوشاک نیز پرداخت. هنرمندانی چون بهزاد فعالیت‌های مردمی و انسانی را در سبک نگاره‌های این دوره وارد کرده و به این ترتیب به پیکره‌ها و افراد، حالت‌هایی واقعی می‌دهند (کنبای، ۱۳۸۱: ۷۵-۶۲). در شاهنامه محمد جوکی مربوط به اوایل دوره تیموری، شاهنامه بایسنقری و نگاره‌های بهزاد مربوط به اواسط و اواخر این دوره، تعداد قابل توجهی نگاره رزم تصویرسازی شده که در ادامه به بررسی پوشاک رزم در تعدادی از نگاره‌های مکتب هرات پرداخته می‌شود.

(تصویر ۱) در این نگاره افراد زره بر تن ندارند و دارای جامه‌هایی بلند با آستین کوتاه هستند که بلندی آن تا مچ پا می‌رسد. روی پیراهن‌ها کمربندهایی نازکی به رنگ‌های آبی و طلایی بسته شده است. پوشش سر رستم و اسفندیار در این نگاره به دو صورت نقش شده است: یکی از نوع کلاه‌خودهایی که از حلقه‌های ریز فولادی تشکیل شده است و روی گوش‌ها را هم پوشش می‌دهد و دیگری از نوع کلاه‌خود گرد فولادی و آهنینی که به اندازه کاسه



تصویر ۶. کشتن سیاوش، هرات، مأخذ: همان: ۱۶۳



تصویر ۵. کشته شدن ارجاسپ در رویین دژ به دست اسفندیار، هرات، مأخذ: همان: ۴۰۱

زیر داری پوشش مقنعه‌ای می‌باشند. همه افراد دارای ساق دست‌هایی هستند که از مچ تا آرنج آن‌ها را پوشانده است. پوشش پای همه سپاهیان به جزء اسفندیار که چکمه‌هایی طلایی به پا دارد، چکمه‌هایی مشکی رنگ است و همگی در روی زره کمربندهای مشکی نازکی را بسته‌اند.

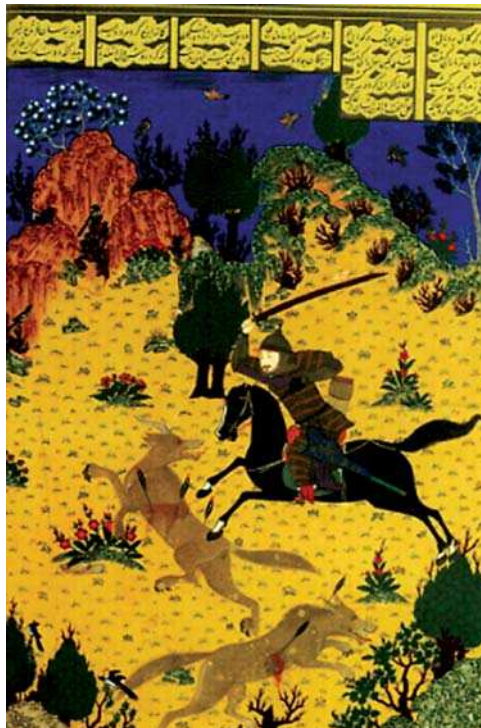
(تصویر ۶) در این نگاره جزء در یک مورد، افراد زره‌هایی راهراه در دو طیف رنگ سبز تیره - روشن و سبز - نارنجی بر تن دارند. بلندی زرها تا روی زانو می‌رسد و در زیر آن پیراهن‌های آستین بلندی به رنگ‌های نارنجی، بنفش و آبی پوشیده‌اند. کلاه‌خودها از دو نوع پولادین ساده که فقط گردی کاسه سر را می‌پوشاند و رو گوشی بر روی پوشش مقنعه‌ای هستند که بر روی آن‌ها پرچم‌های کوچکی قرار دارد. پوشش پای افراد در این صحنه به صورت چکمه‌هایی به رنگ‌های سبز تیره و روشن و گاهی مشکی و قرمز است. افراد دارای ساق دست‌هایی پولادین به رنگ سبز است که از مچ دست تا آرنج آن‌ها را پوشش داده است.

(تصویر ۷) در این نگاره افراد زره‌های راهراه سبز و نارنجی رنگی که بلندی آن‌ها تا روی زانو می‌رسیده را بر تن دارند که قسمتی از زیر و جلوی گردن و روی کتف را نپوشانده است. پیراهن‌های زیر زره به رنگ‌های قرمز و آبی و چکمه‌های افراد ساق بلند و سبز رنگ

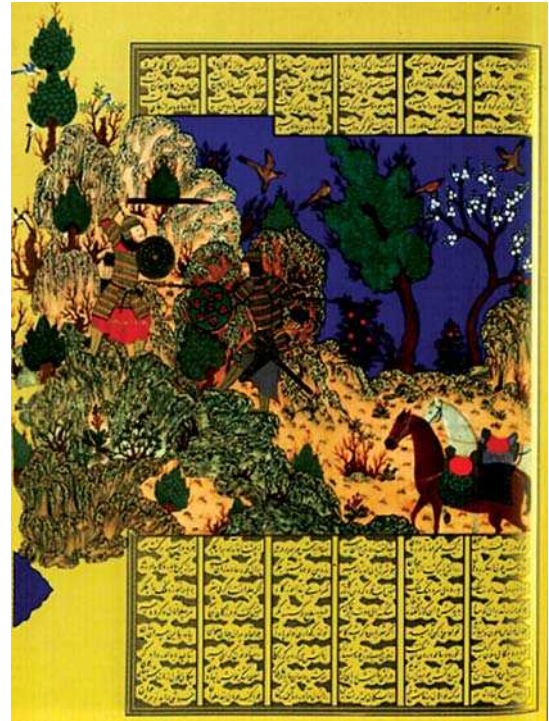
است که با پوشش مقنعه‌ای و گاهی بدون مقنعه نمود پیدا می‌کند. بر روی بعضی از کلاه‌خودها پرچم کوچکی تعبیه شده و در مواردی پوشش سر به صورت کلاه ساده نمدی به رنگ سفید با لبه آبی و مشکی نقش شده است.

(تصویر ۵) در این نگاره گروهی از سپاهیان زره راهراه سبز و طلایی بر روی پیراهن‌هایی آستین بلند به رنگ‌های نارنجی، سبز و آبی بر تن دارند. پوشش سر آن‌ها از نوع کلاه‌خودهایی است که سراسر گوش‌ها و پشت گردن را پوشش می‌دهد. گروه دیگر زره‌هایی به رنگ سورمه‌ای کم رنگ که با نقوش نقطه‌ای طلایی رنگ تزیین شده، بر روی پیراهن‌های آستین بلند پوشیده‌اند که در نوع خود منحصر به فرد است. پوشش سر آن‌ها کلاه‌خودهایی از نوع گرد ساده که فقط کاسه سر را پوشش می‌دهد و یا رو گوشی با پوشش مقنعه‌ای است. هر دو گروه دارای پوشش ساق دست هستند و چکمه‌هایی به رنگ طلایی که بلندی آن‌ها تا روی زانو می‌رسد، به پا دارند.

(تصویر ۵) در این نگاره اسفندیار و سپاهیان زره‌هایی راهراه به رنگ‌های سبز و طلایی بر تن دارند که بلندی آن تا روی زانو می‌رسد، جملگی این زرها از جلو در قسمت پایین چاک‌دار و از پشت با دکمه‌هایی مشکی رنگ بسته شده‌اند. پوشش سر به صورت کلاه‌خودهای پولادین و ساده‌ای است که فقط گردی کاسه سر را پوشانده و در



تصویر ۸. کشته شدن گرگها توسط اسفندیار، هرات، مأخذ: همان: ۳۹۳



تصویر ۷. نبرد گودرز با پیران، هرات، مأخذ: همان: ۳۱۸.

و طبیعی‌تر از سایر نگارگران است (رابینسن، ۱۳۴۹: ۷۶). دور از ذهن نیست که فرمان کلانتری کتابخانه بهزاد در راستای برنامه‌ریزی شاه اسماعیل برای کتاب‌آرایی شاهنامه موسوم به شاهنامه شاه طهماسب بوده است. کار این شاهنامه از ۹۲۸-۹۴۱ هـ.ق به طول کشید (Dickson & Welch, 1981: 7). شاید باشکوه‌ترین و مفصل‌ترین پروژه انجام یافته در مکتب تبریز دوره صفوی، شاهنامه شاه طهماسبی معروف به شاهنامه هوتون باشد. این شاهنامه نشان‌دهنده تمامی جزئیات سبک‌های نگارگری ایران در مراحل گوناگون بالندگی آن است (آژند، ۱۳۸۹: ۵۱۷). هم‌اینک به بررسی و مطالعه پوشاک رزم در تعدادی از نگاره‌های مکتب تبریز پرداخته می‌شود.

(تصویر ۹) در این نگاره سپاهیان زره بر تن ندارند. فقط بر تن دو شخص شاهد پوشش چهارآئینه مرکب از چهار صفحه مستطیل شکل فلزی هستیم که به وسیله لولا به یکدیگر متصل می‌شده و اطراف بدن را از آسیب ضربات محافظت می‌کرده است. سایر افراد در این نگاره جامه‌هایی ساده یا طرح‌دار به رنگ‌های آبی، سبز، زرد، سرمه‌ای، نارنجی و قهوه‌ای بر تن دارند که عموماً پیراهن‌هایی آستین کوتاه و دکمه‌دار هستند که بلندی آنها تا روی زانو می‌رسد و بر روی آنها کمربندهای نازکی به رنگ‌های مشکی و سفید و قرمز و قهوه‌ای بسته شده است. جامه‌هایی که بر تن افراد مشاهده می‌شود یا از

است. کلاه‌خودها از دو نوع ساده و روگوشی با پوشش مقنعه‌ای، و کمربندها نازک و به رنگ‌های آبی و مشکی بر روی زره بسته شده است. هر دو شخص هم دارای ساق دست‌هایی پولادین به رنگ سبزاند که از مچ تا آرنج را پوشانده است.

(تصویر ۸) در این نگاره اسفندیار زره‌ای از نوع معمول زره‌های متداول در مکتب هرات به صورت راه‌راه و جلو بسته به رنگ نارنجی و سبز بر تن دارد و کمربندی نازک به رنگ مشکی روی زره پوشیده است. پوشش سر او به صورت کلاه‌خودی است که از حلقه‌های ریز فولادی تشکیل شده و روی گوش‌ها را پوشش داده است. اسفندیار هم‌چنین مجهز به ساق دست بوده و چکمه‌های قرمز رنگی را نیز به پا دارد.

مکتب تبریز

با سقوط دولت تیموری، بهزاد همراه شاه اسماعیل صفوی به تبریز رفت و در آنجا فرمان کلانتری یا همان حکم ریاست کتابخانه سلطنتی را دریافت کرد و از جانب او به نادر دوران ملقب شد (کورکیان، ۱۳۷۷: ۳۹). بی‌تردید بهزاد تأثیر زیادی در جریان نگارگری ایرانی در زمان حیات و مماتش داشت و این تأثیر در جهت ناتورالیسم و تلطیف عمومی انعطاف ناپذیری آکادمیک که میراث بایسنر بود، قرار داشت و نگاره‌های او دو چندان زنده‌تر



تصویر ۱۰. نگاره جنگ رستم با کاموس، شاهنامه طهماسب، گنجینه موزه هنرهای معاصر، منسوب به عبدالوهاب. ماخذ: همان: ۲۲۲.



تصویر ۹. نگاره جنگ اسکندر با فوز هندی، شاهنامه طهماسب، گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران، منسوب به عبدالوهاب. ماخذ: شاهنامه شاه طهماسبی، ۱۳۹۳: ۲۷۵

آن‌ها پرچمی کوچک تعبیه شده است، کلاهخودهایی با پوشش روگوشی و کلاههایی از نوع نمدی ساده سفید رنگ که با لبه‌هایی به رنگ‌های آبی و سبز زینت یافته است؛ اما بر سر اسکندر پوششی پوستین بر روی کلاهخود فلزی کشیده شده که بر روی آن پرچمی طلایی تعبیه شده است. این پوشش فقط بر سر اسکندر قابل مشاهده است.

(تصویر ۱۱) در این نگاره سپاهیان زره بر تن ندارند و جامه‌هایی ساده و در مواردی طرح‌دار به رنگ‌های سرمه‌ای، آبی، نارنجی، سبز، قرمز و زرد پوشیده‌اند. علاوه بر پیراهن‌های آستین کوتاه و بلند، شاهد پوشیدن عبا بر روی پیراهن و همین‌طور ظهور پیراهن به همراه شلوار در این صحنه هستیم. کلاه ضحاک به صورت کلاهخود کنگره‌ای قهوه‌ای رنگ و ساده‌ای است که کاسه سر او را پوشانیده و با پرهای زینتی آراسته شده است، کلاه سپاهیان عادی از نوع قزلباشی و به صورت دستاری سفید رنگ است که دور سر آن‌ها پیچیده شده و در مرکز آن میله‌ای تعبیه شده است. پوشش پای افراد از نوع کفش‌های ساده نوک تیز و مشکی رنگ است. تنوع بسیار زیاد رنگ و طرح در پوشاک در این نگاره

نوع ساده و جلو باز هستند که به وسیله دکمه‌هایی به هم بسته می‌شده‌اند و یا از نوع جامه‌هایی طرح‌دار و جلو بسته هستند. پوشش سر سپاهیان از نوع کلاهخودهای گرد کاسه‌ای و روگوشی و همین‌طور از نوع قزلباشی است. همه افراد به جزء افرادی که کلاه قزلباشی بر سر دارند، دارای ساق دست‌های فلزی‌اند که از مچ تا آرنج آن‌ها را پوشش می‌دهد.

(تصویر ۱۰) در این نگاره فقط اسکندر و کاموس زره بر تن دارند. سایر افراد قباهایی رنگارنگ از نوع ساده و دکمه‌دار به رنگ‌های سبز، قرمز، آبی، نارنجی، زرد و سرمه‌ای که در قسمت پایین دارای چاک می‌باشد را بر تن دارند. این قباها را بر روی پیراهن‌هایی بلندتر و ساده که تا روی زانو می‌رسیده، پوشیده‌اند. در این نگاره بر تن برخی از افراد شاهد پوشش شلوار هستیم و افراد بر روی این شلوارها چکمه‌هایی بلند که تا زیر زانو می‌رسیده، به پا دارند. سایر افراد دارای کفش‌های نوک تیز و ساده هستند. پوشش ساق دست فلزی تنها بر داستان اسکندر و کاموس دیده می‌شود. در این نگاره چند نوع پوشش سر قابل مشاهده است؛ کلاهخودهایی از نوع گرد کاسه‌ای با لبه طلایی و پوشش مقنعه‌ای که بر بالای

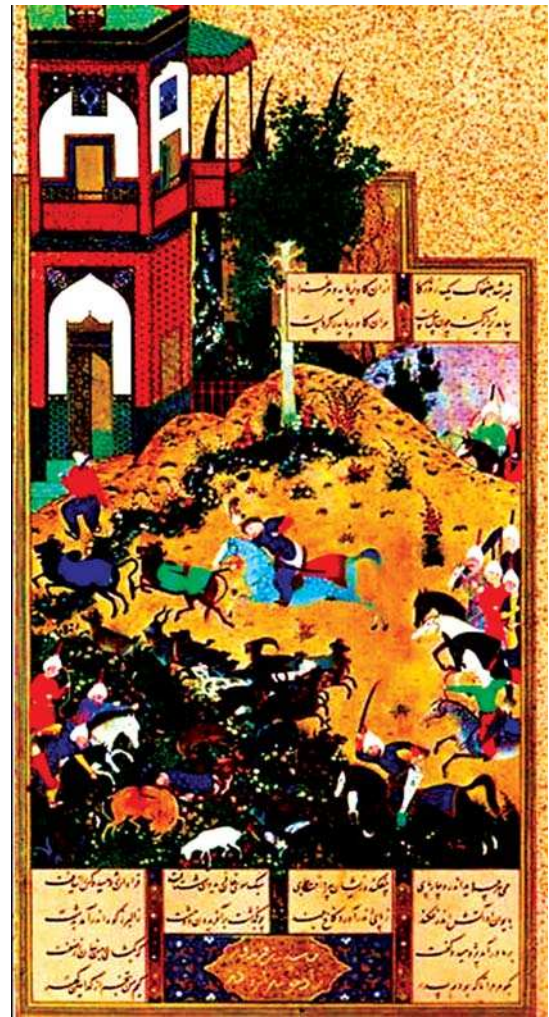
(تصویر ۱۳) در این نگاره رستم کلاهخودی که از حلقه‌های ریز فولادی ساخته شده و سراسر گوش‌ها و پشت گردن او را پوشش داده بر سر دارد که روی آن پوششی پوستین تعبیه شده است. همان‌طور که قبلاً عنوان شد این پوشش تنها بر سر بزرگان دیده می‌شود. رنگ پیراهن زیر رستم قرمز و لباس رو پوستین و به رنگ قهوه‌ای با آستین کوتاه است. همچنین ساق دستی فلزی که از پشت آرنج تا روی مچ را فرا گرفته در این تصویر مشهود است.

(تصویر ۱۴) در این نگاره افراد زره بر تن ندارند، جامه‌هایشان از نوع آستین کوتاه به رنگ‌های سبز و قرمز بر روی پیراهن‌های آستین بلند است. وجود عبایی طرح‌دار با ترکیب رنگ آبی و مشکی بر روی پیراهن جلال قابل توجه است. پوشش سر به صورت مخروطی ساده بر سر شخص عادی و کلاه قزلباشی به شکل دستاری سفید که میله‌ای بر سر آن تعبیه شده بر سر جلال و شخصی دیگر که دارای مقام است، مشاهده می‌شود. کمربندهای افراد به رنگ مشکی و پهن‌تر از دوره هرات است.

(تصویر ۱۵) در این نگاره افراد زره بر تن ندارند و قباهایی آستین کوتاه و طرح‌دار به رنگ‌های مشکی، قهوه‌ای، قرمز و سفید بر روی پیراهن‌هایی آستین بلند به رنگ‌های قرمز و آبی که بلندی آن‌ها تا روی زانو می‌رسد بر تن دارند. به نظر می‌رسد که هوشنگ پیراهنی پوستین و پشمین آستین کوتاه را بر روی پیراهنی آستین بلند پوشیده است. پوشش سر افراد عادی از نوع ساده مخروطی به رنگ‌های سفید و مشکی است که فقط گردی سر را می‌پوشاند و در دو مورد که مربوط به هوشنگ و یکی دیگر از بزرگان است به صورت کلاهی گرد با لبه‌ای کنگره‌دار به رنگ‌های مشکی و طلایی است که روی آن پره‌های زینتی تعبیه شده است. سپاهیان چکمه‌هایی مشکی که بلندی آن‌ها تا زیر زانو می‌رسیده و کفش‌هایی ساده به رنگ آبی به پا دارند.

بحث و تحلیل

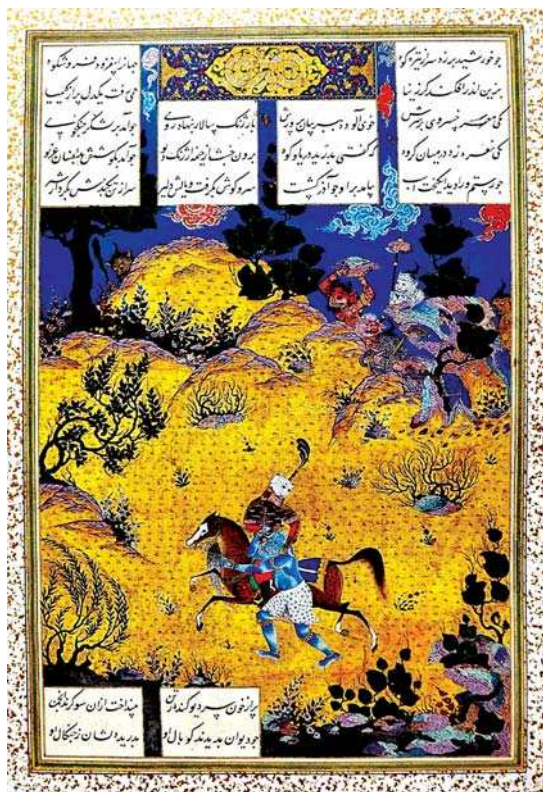
با بررسی انواع پوشاک در نگاره‌های مورد مطالعه می‌توان روند تغییر را در پوشاک سپاهیان رزم مکاتب هرات و تبریز به خوبی مشاهده نمود. عمده این تغییرات وجود پررنگ پوشش زره بر تن سپاهیان مکتب هرات و وجود بسیار کم‌رنگ آن در مکتب تبریز است؛ به گونه‌ای که به حضور زره فقط در یک نگاره از نگاره‌های تبریز می‌توان اشاره کرد و می‌توان از آن به عنوان تحولی در نگاره‌های این دوره یاد کرد. به این صورت که استفاده از زره در نگاره‌های تبریز کمتر شده و جای خود را به ظهور سبک پوشاک روزمره و عادی بر تن سپاهیان می‌دهد؛ از آن جمله می‌توان به ظهور پوشاک پشمین و پوستین بر تن بزرگان و ظهور عبا بر روی پیراهن‌ها و پوشش پیراهن و شلوار بر تن سپاهیان اشاره کرد.



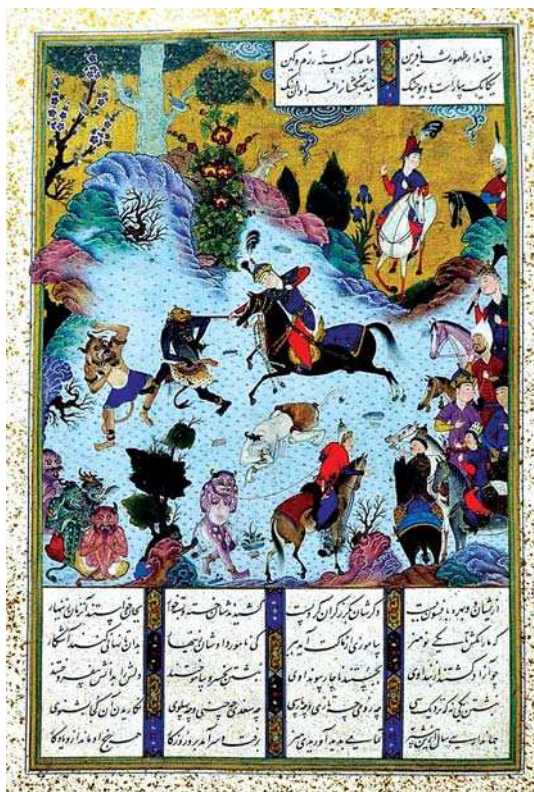
تصویر ۱۱. حمله ضحاک به قصر قریدون، تبریز، مأخذ: همان.

مثال زدنی است.

(تصویر ۱۲) در این نگاره افراد زره بر تن ندارند و قباهایی آستین کوتاه بر روی پیراهن‌هایی با آستین بلند پوشیده‌اند. رنگ جامه‌های سپاهیان عادی بسیار متنوع است و به رنگ‌های نارنجی، بنفش، سبز و آبی است. طهمورث قبایی به رنگ آبی پر رنگ و تزئین شده با نقوش نقطه‌ای طلایی رنگ بر روی پیراهنی آستین بلند به رنگ قرمز که با همین نقوش تزئین شده را بر تن دارد که از حیث زیبایی در نوع خود بی‌نظیر است. در این تصویر سه نوع پوشش سر مشاهده می‌شود که شامل دستارهای سفید رنگ ساده و کلاهخودهای قهوه‌ای رنگ ساده بدون پر است که این دو نوع بر سر سپاهیان عادی قرار دارد. نوع سوم کلاهخودی است که گردی کاسه سر را پوشانیده و به رنگ مشکی با لبه کنگره‌دار طلایی است. این کلاه خود بر سر طهمورث قرار دارد و پر زینتی قزلباشی بر روی آن تعبیه شده است.



تصویر ۱۳. نگاره جنگ رستم و ارژنگ دیو، تبریز، مأخذ: شاهنامه شاه طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۵۲



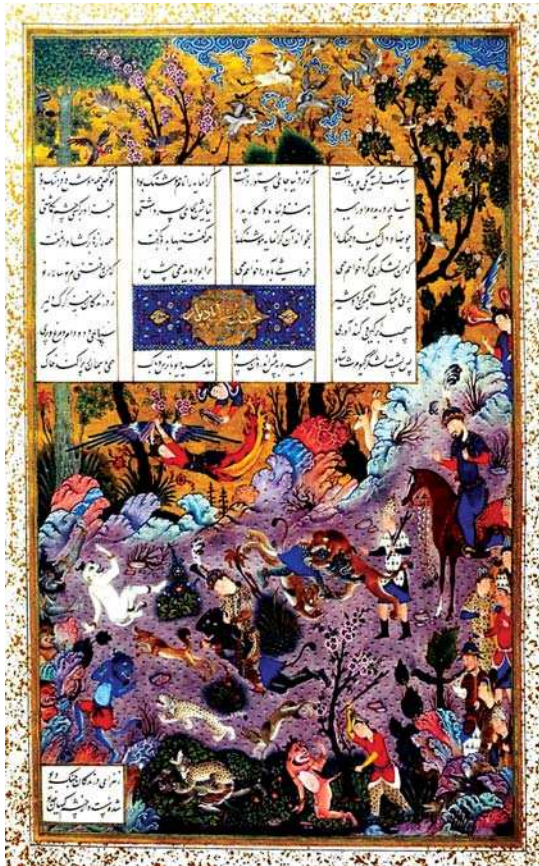
تصویر ۱۲. شکست دیوان به دست طهمورث، شاهنامه شاه طهماسبی، کار سلطان محمد، تبریز، موزه هنری متروپولیتن، نیویورک، مأخذ: شاهنامه شاه طهماسبی، ۱۳۹۳: ۷۲

گردید که در اوایل دوره تیموری پیراهن‌ها بلندتر هستند و بلندی آن‌ها تا حدود مچ پا می‌رسیده است، از طرفی در اوایل این دوره هنوز در نگاره‌های با موضوع رزم، پوشش زره بر تن افراد وجود ندارد؛ اما در اواسط و اواخر این دوره پوشش زره بر تن افراد مشاهده می‌شود و پیراهن‌ها نیز کوتاه‌تر می‌گردد؛ به صورتی که بلندی آن‌ها تا روی زانو ادامه داشته و افراد چکمه‌هایی بلند به پا دارند که تا زیر زانو می‌رسیده است. پوشش سر افراد را کلاهخودهایی از نوع گرد ساده و یا روگوشی با پوشش مقنعه‌ای تشکیل می‌دهد است. در اواسط این دوره نوع دیگری از پوشش سر به صورت کلاه نمدی ساده ظاهر می‌شود که در اوایل دوره وجود نداشت.

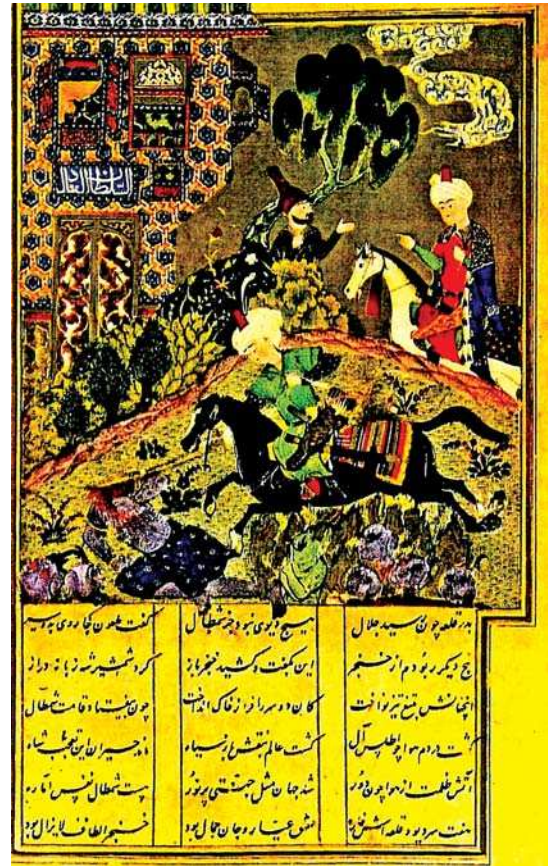
نکته قابل توجه دیگر آنکه در دوره صفوی تفاوت‌های محسوس‌تری در نوع پوشاک افراد از نظر سلسله مراتبی مشاهده می‌شود، به شکلی که کاربرد زره بسیار کم و آن هم تنها بر تن افراد بلند پایه و فرمانده مشاهده می‌شود و سایر افراد و سپاهیان عادی زره بر تن ندارند. پوشش سر فرمانده و مقام‌های برتر از نوع کلاهخودی است که گردی کاسه سر را پوشانده، به رنگ مشکی و قهوه‌ای، با لبه کنگره‌دار طلایی و پر زینتی قزلباشی روی آن تعبیه شده است. همچنین در مواردی کلاه پوستین که بر

از طرفی در هر دو مکتب هرات و تبریز نقوش تزئینی هندسی و ساده با کاربردهای مشابه در پوشش سپاهیان دیده می‌شود. به دلیل پیشرفت در خلق نقوش تزئینی در مکتب تبریز، تنوع نقش در پوشاک رزم در این دوران مشهودتر است که بارزترین نمونه آن در نقوش تزئینی طلایی رنگ در نگاره شکست دیوان به دست طهمورث قابل مشاهده است. به علاوه ایجاد تنوع در به کار بردن رنگ‌های بیشتر در نگاره‌های تبریز در مقایسه با هرات نشان از اعتلای هنر رنگ‌آمیزی در این مکتب دارد. مهم‌تر اینکه گاه در نگاره‌های تبریز این تنوع رنگ را هم‌زمان در یک نگاره می‌توان دید، در حالی که این ویژگی در نگاره‌های هرات به چشم نمی‌خورد.

نتیجه قابل توجهی که با مطالعه نگاره‌های مورد مطالعه حاصل شد آشنایی نسبی با وضعیت پوشش مردم در دوره‌های مذکور از نظر سلسله مراتبی و پرداختن به تحولات ایجاد شده در نوع پوشاک در سراسر دوران مذکور است. در بحث نوع پوشاک از نظر سلسله مراتب در مکتب هرات باید خاطر نشان کرد که تفاوت محسوسی میان پوشاک فرمانده و افراد بلند پایه با سپاهیان عادی دیده نشده است و پوشش افراد تا حد زیادی یکسان و مشابه است. با بررسی نگاره‌های این مکتب مشخص



تصویر ۱۵. کشتن هوشنگ دیوسپاده را شاهنامه شاه طهماسبی، حدود ۹۳۱-۹۴۱ هـ ق کار سلطان محمد، مجموعه خصوصی، مأخذ: همان، ۵۵۴



تصویر ۱۴. کشتن جلال شمطال دیو را، مثنوی جمال و جلال، تبریز، ۹۰۹-۹۱۰، کتابخانه ایسالا، سوئد، مأخذ: آژند، ۱۳۸۹: ۵۹۳

به کار رفته برای دوخت لباس است. پارچه‌های به کار رفته در لباس فرماندهان شامل انواع زربافت، مخمل و ابریشم است؛ اما لباس مردم عادی از جنس نخ و کتان است. سپاهیان در اوایل دوره صفوی قباهایی که بلندی آن‌ها تا مچ پا می‌رسید را روی پیراهن به تن می‌کردند؛ ولی در اواسط این دوره قباها به تدریج کوتاه‌تر می‌شود. در اوایل این دوره عمامه‌ها حالت کشیده‌ای دارند و ادامه سنت تیموری هستند؛ اما در دوره میانه صفوی عمامه‌ها گرد و بزرگ می‌شوند.

روی کلاه خود کشیده شده است بر سر فرمانده مشاهده می‌شود. بر سر سایر افراد و سپاهیان عادی کلاه‌خودهای گرد ساده و روگوشی و کلاه‌های مخروطی و قزلباشی قابل شناسایی است. عبا و پیراهن پشمین و پوستین و پیراهن‌های بلند نیز فقط بر تن فرمانده و شاه مشاهده می‌شود و پیراهن‌های سپاهیان عادی کوتاه‌تر است. از میانه‌های این دوره شلوارهای تنگ و چسبان بر تن سپاهیان عادی مشاهده شده و در مواردی زیر قبا شلوار به پا ندارند و پاهای آن‌ها برهنه است. تفاوت دیگر در جنس پارچه‌های

جدول ۱. مقایسه تطبیقی رنگ و نقش پوشاک رزم با توجه به نگاره‌های مورد مطالعه در مکاتب هرات و تبریز، مأخذ: نگارندگان.

مکتب تبریز	مکتب هرات	
قرمز، نارنجی، سبز، زرد، بنفش، سفید، قهوه‌ای، مشکی، آبی و سرمه‌ای	طلایی، قرمز، سبز، آبی، مشکی و عنابی	رنگ
نقوش تزئینی هندسی و ساده نقوش تزئینی نمادین و پیشرفته	- نقوش تزئینی هندسی و ساده	نقش

جدول ۲. مقایسه تطبیقی اجزاء و عناصر پوشاک رزم با توجه به نگاره‌های مورد مطالعه در مکاتب هرات و تبریز، مأخذ: همان.

نمونه قابل مقایسه در موزه	تصاویر	مکتب تبریز	تصاویر	مکتب هرات
 زره زنجیری، ایران، قرن ۱۵ میلادی، کلکسیون Major A.D.F.White (خلیلی، ۱۳۸۷: ۲۵)	 مأخذ: سفرنامه رنه دالماتی ۱۹۱۲	فقط در نگاره جنگ اسکندر با کاموس مشاهده شده است - زره چاک دار تا بالای زانو	-	این پوشش در نگاره‌های جنگ کیخسرو و افراسیاب، کشته شدن ارجاسب به دست اسفندیار، کشته شدن سیاوش، جنگ گودرز با پیران و کشته شدن گرگ‌ها توسط اسفندیار) مشاهده شده است. انواع زردهای متداول در این نگاره‌ها عبارتند از: - زردهای زنجیری و راهراه - زردهای چاک دار که بلندی آن‌ها تا زیر زانو می‌رسد - زردهای چاک‌دار تا بالای زانو - زره بدون چاک
-	-	فقط در نگاره جنگ اسکندر با کاموس	-	به صورت لیاسی در زیر زره در ۵ نگاره‌ای که پوشش زره مشاهده شده است وجود دارد
-	 مأخذ: سفرنامه رنه دالماتی ۱۹۱۲	فقط در نگاره جنگ اسکندر با فوز هندی	-	-
 کلاهخود، دوره لور، احتمالاً مملوکی، ابتدای قرن ۱۶م. (مشابه نمونه‌های عثمانی) (خلیلی، ۱۳۸۷: ۷۸).	 مأخذ: شهنشاهی، ۱۱۱: ۱۳۷۲	کلاهخود فولادی و آهنین گردی که به اندازه ی کاسه سر ساخته می‌شد - کلاهخودی متشکل از حلقه های ریز فولادی که سراسر گوش‌ها و پشت گردن را در بر می‌گرفت کلاهخودی متشکل از حلقه های ریز فولادی که بر روی آن پوششی پوستین قرار دارد و بر سر بزرگان دیده شده است - کلاهخود گرد قهوه‌ای یا مشکی یا لیه کنگره دار طلایی که در مرکز آن پر زینتی تعبیه شده است و تنها بر سر فرماندهان دیده شده است	 مأخذ: شهنشاهی، ۱۰۹: ۱۳۷۲	- کلاهخود فولادی و آهنین گردی که به اندازه ی کاسه سر ساخته می‌شد - کلاهخودی متشکل از حلقه های ریز فولادی که سراسر گوش‌ها و پشت گردن را در بر میگرفت و گاهی دارای پوشش مقنعه‌ای بود
 کلاهخود، ایران، قرن ۱۹، مأخذ: (خلیلی، ۱۳۸۷: ۱۰)	 مأخذ: شهنشاهی، ۱۱۱: ۱۳۷۲		 مأخذ: شهنشاهی، ۱۰۹: ۱۳۷۲	
 کلاهخود، ایران، قرن ۱۹م. (شاهه میناتورهای عهد مملوکی) (خلیلی، ۱۳۸۷: ۷۸).	 مأخذ: شهنشاهی، ۱۱۰: ۱۳۷۲		 مأخذ: شهنشاهی، ۹۱: ۱۳۷۲	
-	-	-	-	بازوبند
-	-	فقط در نگاره‌های جنگ اسکندر با فوز هندی، جنگ اسکندر با کاموس و جنگ رستم با ارژنگ دیو، شاهد این پوشش هستیم که از مچ دست تا آرنج را پوشش داده است.	-	در تمام نگاره‌های هرات سپاهیان دارای پوشش ساق دست هستند که معمولاً از آرنج تا مچ دست را پوشش می‌دهد است
-	-	-	-	ساق پا
-	-	-	-	زانوبند
-	-	کمربندهای نگاره‌های تبریز پهن و به رنگ‌های مشکی و آبی می‌باشند که توسط سگ‌های فلزی بسته شده است.	-	کمربندهای نگاره‌های هرات نازک و به رنگ مشکی می‌باشند و با سگ‌های فلزی به هم قفل شده‌اند
-	-	-	-	زه‌گیر

نتیجه

ترسیم پوشاک از عوامل شاخص در نگارگری‌های مکاتب هرات و تبریز است که در به تصویر در آوردن واقعیات زمانه، تعهدی بر هنرمند آن دوران محسوب می‌شده است. مشابهت انواع پوشاک مستند شده در

متون، با نمونه‌هایی که در نگاره‌ها تصویر شده است و در متن مقاله به آن‌ها اشاره شد، گویای این واقعیت است. با توجه به مباحث مطرح شده در متن مقاله، می‌توان به سوالی که در چکیده مطرح شده است به این گونه پاسخ داد که نگارگران تبریز در طراحی صحنه‌های رزم، پیش از آنکه به نمایش نوع پوشش مربوط به رزم توجه کنند، در چگونگی به تصویر کشیدن پوشاک روزمره و عادی که با پوشاک رزم ارتباط مستقیمی ندارد، تمرکز بیشتری داشته‌اند. اهمیت این مسئله به قدری است که پوشاک سپاهیان در صحنه‌های رزم همانند پوشاک سایر افراد در صحنه‌های عادی و روزمره زندگی جلوه‌گر می‌نماید. در حالی که نگارگران هرات در نمایش صحنه‌های رزم، تمام اجزاء و عناصر پوشاک رزم را بر تن سپاهیان به تصویر کشیده و از این رو تصاویر مربوط به رزم در نگاره‌های هرات واقعی‌تر از تبریز جلوه می‌نماید. از طرفی مطالعه نگاره‌های مزبور این امکان را فراهم آورد که تا حدودی سیر تحول و تغییر در نوع، جنس، طرح و رنگ پوشاک در مکاتب هرات و تبریز را مشخص کرده و همچنین تفاوت‌هایی را که در پوشاک سلسله مراتب مختلف قابل مشاهده بود را شناسایی و معرفی کند. بعلاوه می‌توان گفت که هنرمندان در خلق نگاره‌های هر عصر، بازتابی از واقعیات جامعه در آن عصر را به تصویر کشیده‌اند. این موضوع بیانگر بازسازی پوشاک رزم در نگاره‌های مکاتب هرات و تبریز در کنار مراجعه به متون است.

منابع و مأخذ

- آژند، یعقوب. ۱۳۸۹. نگارگری ایرانپ (ژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران)، جلد دوم. تهران: سمت.
- الکساندر، دیوید. ۱۳۸۷. مجموعه هنر اسلامی، ابزار آلات جنگ. گردآوری ناصر خلیلی، جلد دوازدهم. تهران: کارنگ.
- امیرخانی، غلام رضا. ۱۳۸۳. تیموریان. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- اولثاریوس، آدام. ۱۳۷۹. سفرنامه. ترجمه حسین کرد بچه. جلد دوم. تهران: هیرمند.
- تاورنیه، ژان باتیست. ۱۳۳۶. سفرنامه. ترجمه تراب نوری با تصحیح دکتر حمید شیروانی. تهران: سنایی.
- دالمانی، ه. ر. ۱۲۹۱. سفرنامه. تهران: مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی.
- ذکاء، یحیی. ۱۳۵۰. ارتش شاهنشاهی ایران از کوروش تا پهلوی. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- رابینسن، ب. و. ۱۳۷۶. هنر نگارگری ایران. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی.
- شاردن، ژان. ۱۳۷۴. سفرنامه. ترجمه اقبال یغمایی. تهران: توس.
- شاهنامه بایسنقری. ۸۳۳ هـ. کتابخانه موزه کاخ گلستان.
- شاهنامه محمد جوکی. ۸۴۳ هـ. انجمن سلطنتی آسیایی.
- شاهنامه شاه طهماسبی. ۱۳۹۳. ویژه نشر و موزه هنر متروپولیتن.
- شریعت پناهی، سید حسام‌الدین. ۱۳۷۲. اروپایی‌ها و لباس ایرانیان. تهران: قدس.
- شهنشاهی، سهیلا. ۱۳۷۴. تاریخچه پوشش سر در ایران. تهران: مدبر.
- ضیاءپور، جلیل. ۱۳۴۹. پوشاک ایرانیان از چهارده قرن پیش تا آغاز دوره شاهنشاهی پهلوی. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- غیبی، مهر آسا. ۱۳۸۴. هشت هزار سال تاریخ اقوام ایرانی. تهران: هیرمند.
- کورکیان، آن ماری. ۱۳۷۷. هفت قرن مینیاتور ایران. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: فروزان‌فر.
- کنبای، شیلا. ۱۳۸۱. نگارگری ایرانی. ترجمه مهناز شایسته‌فر. تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- یارشاطر، احسان. ۱۳۸۲. پوشاک در ایران زمین. از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا. تهران: امیرکبیر.
- Dickson and Welch, S.C. 1981, The Houghton Shahnameh, 2 Vols., Cambridge.

A Comparative Study of Battle Clothing Based on Paintings of Manuscripts in the Schools of Herat and Tabriz

Mohammad Ebrahim Zarei, Associate Professor, Department of Archaeology, Faculty of Art and Architecture, BuAli Sina University, Hamadan, Iran.

Maryam Dolati, PhD Student of Archaeology, Faculty of Art and Architecture of Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran.

Received: 2016/4/3 Accepted: 2016/11/23



One of the investigable issues about the study of miniature paintings is type of cloths which is different due to the subject of miniature painting and political, cultural and social aspects in any period of time. The aim of this research is conducting a comparative study of battle clothing based on illustrations of the manuscripts in the Herat and Tabriz schools and evolution of battle clothing in these schools through introduction of cloths that have been depicted in the battle illustrations. So the questions are: 1. how battle clothes have been displayed in manuscripts in Herat and Tabriz schools, and is reconstruction of this type of clothing possible? 2. Based on the study of the illustrations, how have the battle clothes in the mentioned schools changed? The findings suggest that artists have shown a reflection of reality of society in illustrations, so we can reconstruct battle clothes in illustrations of the Herat and Tabriz schools along with reference to texts. On the other hand, study of mentioned illustrations demonstrated evolution of battle clothes at any period and provided the possibility for their hierarchical study. Current study is a historical research with a comparative-analytical approach and the required data were collected via library sources.

Keywords: Miniature Painting, Battle Clothing, Herat School, Tabriz School, Comparative Study.